تداوم مباحثات برای نظارت بر خبرگان

عسگراولادی: در نظارت بر انتخابات شورای نگهبان فصل الخطاب است
کروبی: نظارت را به حوزه‌های علمیه واگذار کنید

گروه سیاسی: پس از بحث‌ها و سخن‌های فراوان بر سر واگذاری نظارت انتخابات شوراها به شورای نگهبان روز گذشته لایحه پیشنهادی دولت در این باره با طرح یک فوریت در مجلس به تصویب رسید. با این حال چهره‌های سیاسی و احزاب اصلاح طلب همچنان نسبت به سلب مسئولیت مجلس در نظارت بر انتخابات شوراها نگران هستند. در روزهای گذشته اگرچه محمدرضا باهنر به اصلاح طلبان گفته بود که مجلس هفتم و شورای نگهبان دیدگاه سیاسی مشترکی دارند و اصلاح طلبان نباید نگران انتقال این مسئولیت از مجلس به شورای نگهبان باشند، با این حال برخی گروه‌های اصلاح طلب چنین اقدامی را یک اقدام خلاف قانون اساسی ارزیابی کرده‌اند. روز گذشته حبیب‌الله عسگراولادی دبیرکل سابق حزب موتلفه و عضو فعلی این حزب نیز در حمایت از واگذاری نظارت بر انتخابات شوراها به شورای نگهبان چنین گفت: «امر نظارت بر انتخابات را باید در ایران مطابق ساز و کار قانون اساسی نهادینه کنیم؛ به‌گونه‌ای که نظر شورای نگهبان فصل‌الخطاب باشد.» او با این توضیح به ایسنا گفت که: «با توجه به این که مجلس شورای اسلامی سازوکاری برای نظارت دقیق بر انتخابات شوراها ندارد و در انتخابات شوراهای گذشته نیز قیل و قال فراوان در رسانه‌ها و حتی در صحن مجلس شورای اسلامی بروز کرده است، بهتر است نظارت بر انتخابات شوراها به شورای نگهبان سپرده شود.» عسگر اولادی اینچنین بود که در ادامه گفت: شورای نگهبان علاوه بر این که پاسدار اسلامیت نظام است، نگهبان جمهوریت هم هست، نظارت انتخابات ریاست جمهوری، مجلس و خبرگان که به شورای نگهبان سپرده شده به خاطر جایگاه شورای نگهبان در صیانت از جمهوریت نظام است. در هیچ جای قانون اساسی هم نیامده است که شورای نگهبان نمی‌تواند بر امر انتخابات شوراها نظارت کند، این در قانون عادی آمده است

و اگر در قانون عادی نقشی به شورای نگهبان در نظارت بر انتخابات شورا بدهند، این امر خلاف قانون اساسی نیست؛ زیرا اصولاً نظارت در نظام‌های دموکراتیک نهادینه شده و طرف‌های رقیب اختلافی در مورد آن ندارند. در حالی که چنین دیدگاه‌هایی از سوی اصولگرایان مطرح می‌شود، روز گذشته اما شیخ مهدی کروبی دبیرکل حزب اعتماد ملی در گفت‌وگویی با ایسنا تاکید کرد که او همچنان معتقد به واگذاری بررسی صلاحیت خبرگان به حوزه‌های علمیه است. او همچنین درخصوص واگذاری نظارت بر انتخابات شوراها به شورای نگهبان گفت: اظهارنظری شده که من آن را قبول ندارم، البته معلوم نیست مجلس چنین پیشنهادی را تصویب کند. برخی از آقایان محترم در این ارتباط مطالبی را فرموده‌اند، ولی فکر نمی‌کنم که مجلس با این کار موافقت کند. کروبی افزود: این وظیفه‌ای است که به مجلس واگذار شده و در دوره پنجم مجلس به ریاست حجت‌الاسلام والمسلمین ناطق‌نوری و در دوره ششم نیز با حضور من انجام شد. وی درباره اینکه آیا مجلس سازوکارهای مناسب برای نظارت را دارد، نیز گفت: اگر مجلس بخواهد نظارت کند، سازوکارهای مناسب را دارد، اما اگر بخواهد حاکمیت کند و هر کسی را خودش بخواهد از میان کاندیداها در بیاورد، ندارد. کروبی بدین‌ترتیب تاکید کرد: مجلس بهترین جا برای نظارت بر انتخابات شوراها است. دبیرکل سابق مجمع روحانیون مبارز که پیشتر نامه‌ای را نیز به رئیس مجلس خبرگان در باب تغییر مرجع بررسی صلاحیت خبرگان نوشته بود، با تاکید بر اینکه بررسی صلاحیت خبرگان باید به حوزه‌های علمیه محول شود اظهار داشت: آن مقطع که بررسی صلاحیت‌ها به شورای نگهبان سپرده شد یک فضای خاص حاکم بود، اما امروز این مسئولیت بر عهده خبرگان فعلی است که اگر هم نمی‌خواهند این مسئولیت را به حوزه‌های علمیه قم بدهند، راه‌حلی بگذارند برای اینکه یک انتخابات آزاد برگزار شود.

گذری جامعه‌شناختی بر مقاله «چرا غافلگیر می‌شویم»

حرکت به وضعیت اجماعی

محمدرضا زمردی

چندی پیش مطلبی در روزنامه شرق تحت عنوان «چرا غافلگیر می‌شویم» به قلم آقای تقی رحمانی منتشر شد که به کاوش در رفتارهای انتخاباتی در ایران پرداخت. به نظر می‌رسد که نوشتار مزبور از آن دست مطالبی است که می‌کوشند خردمندانه در سیاست نظر کنند و در پی آشتی هر چه بیشتر خردمندی و سیاست‌ورزی در این دیارند. نکته درخور اعتنا این است که در روزگاری که انفعال اشاعه یافته و حتی یکی از چهره‌های شاخص جنبش اصلاح طلبی شکست و انهدام قطعی اصلاحات را تئوریزه می‌کند، پیگیری جدی و بی‌وقفه مباحثی از این قبیل از عزمی عظیم و شوقی بی‌حد برای تغییر و تصحیح خبر می‌دهد که در نوع خود کوششی تامل‌برانگیز و حتی پندآموز است. با این همه از آنجایی که در عصر جدید بسیاری از جهدهای فکری معطوف به تغییر جهان نه تنها با ناکامی روبه‌رو گشته‌اند، بلکه دشواری‌های عافیت‌سوز و گسترده‌ای را موجب شده‌اند، حساسیت فوق‌العاده این مباحث کاملاً محرز است. تا بدانجا که امروزه گروهی از متفکران قائل به منحصر کردن تحلیل‌ها به تفسیر جهان هستند. نگارنده بر پرمناقشه بودن و جدل‌انگیزی غریب این عرصه تا حدی واقف است و در پی شکافتن ابعاد آن در این مجال مختصر نیست. به هر روی ذهن مشغولی‌هایی که به اجمال طرح شد، انگیزه پیش نهادن نکاتی در خصوص مقاله «چراغافلگیر می‌شویم» را به دست داده است. مولف با اشاره به پدیده غافلگیری و پیش‌بینی‌ناپذیری رفتارها در ایران رفتار انتخاباتی را با عنایت به مقاطعی از تاریخ معاصر بررسی می‌کند و بدین منظور دو وضعیت متفاوت را باز می‌شناسد:

الف- وضعیت غیراجماعی در جامعه که با انفعال نسبی همراه است.

ب- وضعیت اجماعی که برانگیختگی جامعه و امکان شکل‌گیری جبهه‌ها و بلوک‌بندی میان نیروهای سیاسی را به بار می‌آورد. مولف در تحلیل خود به مقایسه مشارکت تحریم و عدم شرکت و نسبت هر یک با دو وضعیت اجماعی و غیراجماعی می‌پردازد و به نمونه‌هایی مصداقی استناد می‌کند و نقش شکاف‌های اجتماعی موجود در ایران (نظیر شکاف جنسیتی و قومیتی) را در هریک از دو وضعیت اجماعی و غیراجماعی برمی‌شمرد. در نظر گرفتن مسئله سلبی یا اثباتی بودن آرا و حضور و نقش چهره‌ها که باز در همان چارچوب وضعیت اجماعی و غیراجماعی درک و تحلیل می‌شوند از دقت نظر مولف و ذهن پردازشگر و مقوله‌ساز وی حکایت دارد. پس از ارائه چکیده و مندرجات مقاله مزبور نکته‌هایی چند قابل طرح است:

۱- رحمانی به نحوی از پیش‌بینی‌ناپذیری رفتارها در ایران تاسف می‌خورد و در دنیای مدرن همه چیز را قابل پیش‌بینی و برنامه‌ریزی می‌داند که گویی جامعه ایرانی پاره‌ای از تمدن مدرن بوده است و چند صباحی است که از مسیر خود منحرف شده و به طریق دیگری درافتاده است. در حالی که همانگونه که ماکس وبر در پیگیری عقلانیت ویژه تمدن غربی آشکار ساخته است فرآیند عقلانی شدن (و طلسم‌گشایی ملازم با آن) به غیر از مغرب زمین در هیچ کجا تحقق نیافته است. مراد از عقلانی شدن اشاعه کنش‌های عقلانی معطوف به هدف است، یعنی استفاده از وسایل مناسب برای رسیدن به هدف. واقعیت این است که این فرآیند به همراه تحولات و فرآیندهای فراگیر دیگری چون صنعتی شدن، علمی شدن، تمایزیابی ساختی، شهری شدن و نظایر اینها حیات عینی و ذهنی جهان مدرن در مغرب زمین را شکل داده‌اند، تحولاتی که در جوامعی نظیر ایران به نحو درون‌زا و خودانگیخته هرگز به وقوع نپیوسته است. برون‌زا بودن بسیاری از تغییر شکل‌ها در جوامع جهان توسعه‌نیافته و عدم توانایی بومی‌سازی عناصر عاریت گرفته از جهان توسعه‌یافته به نهادهای جدید در این ممالک کیفیتی خاص و منحصر به فرد می‌بخشد که آنها را باید در سطوح ملی و منطقه‌ای به تحلیل نشست. به عنوان نمونه نهاد علم و دانشگاه در ایران تفاوت‌های بارزی با کشورهای پیشرفته دارد که نیاز به تشریح ندارد. خلاصه اینکه پیش‌بینی‌پذیر بودن رفتارها (کنش‌ها) مستلزم وجود کنشگرانی است که از وسایل عقلانی برای نیل به اهداف عقلانی بهره گیرند. به نظر می‌رسد که این مفروض درباره تمام لایه‌های اجتماعی در ایران مصداق نداشته باشد.

۲- از ضعف جامعه مدنی در ایران سخن بسیار گفته می‌شود. فقدان تحزب، عدم تکوین جامعه مدنی، ناکارآمدی و عدم استقلال و بعضاً فرمایشی بودن تشکل‌های غیر دولتی هرچند که زمینه‌ساز اقتدار، اتوکراسی، آمریت و دموکراسی ستیزی است (و توسط همین عوامل بازتولید می‌شوند) اما خود نشات گرفته از علل و عوامل چندی است که عمدتاً بیرون از سپهر سیاست هستند. یکی از مهمترین آن علل روشن نبودن مرزبندی اقشار اجتماعی و مغشوش بودن نظام طبقاتی در ایران است. واقعیتی که در پیوند وثیق با نارسایی نهاد تولید و اقتصاد تک‌محصولی نفتی و بیماری‌های ناشی از آن قرار دارد. اقشار، اصناف، گروه‌ها و طبقات اجتماعی با حدود و ثغور مشخص و منافع معین هنوز در این سامان پا نگرفته است که نهادهای قدرتمندی برای حفظ و حراست از آن منافع ایجاب شود. در نتیجه تشکل‌ها و احزاب سیاسی و نهادهای مدنی موجود عمدتاً بدل به سازمان‌هایی با ساختار متمرکز می‌شوند که حتی در پیکره خود از مناسبات غیردموکراتیک مبرا نیستند. نهادهایی که به دلیل نحوه تکوین و تشکیل خود نمی‌توانند زمینه‌ساز ترویج کنش‌های دموکراتیک در جامعه باشند. این بهایی است که نهادهای مزبور به دلیل جدا بودن از بدنه اجتماعی پرداخت می‌کنند. (قطع نظر از موانع بیرونی متعددی که می‌تواند در مسیر حرکت و فعالیت آنها قرار گیرد و می‌گیرد) پر واضح است که ما به شناخت کم و کیف احزاب، اصناف، تشکل‌های، جریان‌های سیاسی و نحوه تاثیرگذاری آنها بر اعضای جامعه سخت حاجت داریم؛ چیزی که گویا یکی از ذهن‌مشغولی‌های مولف محترم را تشکیل می‌دهد. اما به خود اقشار و گروه‌های اجتماعی که بنا است توسط نهادهای مزبور نمایندگی شوند (یا آنها را حمایت کنند) کمتر توجه می‌شود.

۳- رحمانی پیامدهای وضعیت اجماعی و غیراجماعی را به دقت تشریح می‌کند، اما نشان نمی‌دهد که چگونه می‌توان از وضعیت غیراجماعی به سوی وضعیت اجماعی (که فحوای کلام مولف آن را وضعیت مطلوب معرفی می‌کند) حرکت کرد. اگر چنین امکانی اساساً وجود نداشته باشد، پس چاره‌ای نیست جز اینکه در انتظار موسم دیگری از اجماع بنشینیم و این خود به گونه‌ای ناخواسته انفعال را می‌پروراند. از پیش‌بینی وضعیت‌های دو وجهی فوق نیز سخنی به میان نمی‌آید. حال آنکه با تمایز قائل شدن میان کنش‌های افراد و گروه‌ها با تکیه به تئوری‌ها می‌توان به پیش‌بینی مبادرت کرد. باری اگر امکان حرکت به سوی وضعیت اجماعی وجود دارد باید چگونگی، سازوکارها و اقدام‌های راهبردی لازمه آن را طرح کرد. مقاله مورد نظر در این خصوص خاموش است، ضمن اینکه در صورت شکل‌گیری هر یک از دو وضعیت اجماعی یا غیراجماعی نحوه موضع‌گیری نیروهای سیاسی و مشارکت‌کنندگان را برمی‌شمرد. با تامل در تفسیر و توصیفی که مولف محترم از برآیند تعامل نیروهای سیاسی و رفتارهای انتخاباتی به دست می‌دهد، اهمیت مسئله رسیدن به قدرت (از طریق انتخابات سیاسی) بسیار عمده می‌شود. در حالی که حتی وضعیت اجماعی قدرتمندی که دوم خرداد ۷۶ را شکل داد نیز نتوانست تضمینی برای تغییر اجتماعی به شمار آید. تجربه ناکام هشت ساله اصلاحات نشان داده است که اگر برای درونی‌سازی ارزش‌های دموکراتیک برنامه‌ای سنجیده وجود نداشته باشد، چه اتفاقی خواهد افتاد. سخن از پیچیدگی‌های فوق‌العاده‌ای است که گاهی مورد سهل‌انگاری واقع می‌شود. برخی از ما روحیه دموکراتیک و اتوکراتیک را توامان در درون خود داریم و علاقه‌مندان به رفتارهای انتخاباتی نباید این ملاحظات را نادیده بگیرند.

۴- مسئله تاثیرگذاری که یکی از ذهن‌مشغولی‌های مولف محترم را شکل می‌دهد، بسیار حائز اهمیت است. بدیهی است که در فقدان رسانه‌های پویا و کارا و انواع نهادهای حدواسط ملت و حاکمیت، وسوسه تاثیرگذاری تعیین‌کننده قدری توهم‌آلود است. ضمن اینکه تاثیرگذاری در هیچ کجای دنیا و در هیچ موردی کار ساده‌ای محسوب نمی‌شود. از یاد نبرده‌ایم که در دوره اخیر انتخابات ریاست جمهوری در آمریکا اجماع و اتفاق نخبگان فرهنگی نتوانست مردم را به سوی کاندیدای مورد نظر بکشاند. در بازار سیاست توفیق بیشتر با کسی است که ذائقه مشتریان (در اینجا شرکت‌کنندگان احتمالی در انتخابات) را بهتر می‌شناسد. یعنی شناخت واقعیت اجتماعی در این مورد مانند هر مورد دیگر لازمه حرکت سنجیده و رو به جلو محسوب می‌شود. همین شناخت است که امکان پیش‌بینی را هم به ما می‌دهد. (یا باید بدهد.) شاید پیش‌بینی‌ناپذیری رفتارهای انتخاباتی در ایران ناشی از خطا در ابزارها و ساز و برگ منطقی پیش‌بینی رفتارها از آن استفاده می‌شود قادر به کشف الگوهای معرفت‌شناختی خاص جامعه ایران نباشد. اگر چنین امکانی محتمل باشد به نظر می‌رسد که «سیاست‌نگری» روشنفکران در ایران یعنی تقلیل دادن امر اجتماعی به امر سیاسی و لحاظ نکردن مناسبات متداخل، متعامل و متعاطی اقتصاد، فرهنگ و سیاست یکی از موانع جدی برای ژرفگری‌های لازمه کشف‌کنندگان باشد نه بی‌منطقی مردمان. یعنی این امکان وجود دارد که مدلی برای الگوهای مزبور به شمار آید. البته نباید از نظر پوشیده بماند که در ایران به دلیل ضعف نهادهای مدنی- اجتماعی علاقه‌مندان به فعالیت‌های اجتماعی به ناچار سوی سیاست کشیده می‌شوند. حال آنکه در صورت وجود جامعه مدنی و حوزه عمومی قدرتمند چنین ضرورتی وجود ندارد. ضمن اینکه در سنخ‌شناسی روشنفکران ایرانی از منظر نسبت با سیاست، روشنفکران «سیاست‌گریز» هم قابل شناسایی‌اند که از ویژگی‌های آنها انفعال‌گروی، علاقه به مباحث انتزاعی و نظری محض و بی‌اعتنایی به متن و زمینه اجتماعی است. جای شگفتی نیست که این دسته از سوی نظام قدرت متمرکز ملی بسیار بیشتر تحمل می‌شوند.

۵- یکی از پیامدهای دیگر پرداختن بیش از حد و تقلیل‌گرایانه به سپهر سیاست در حوزه تحلیل بی‌توجهی به سایر جنبش‌های اجتماعی و انواع پویش‌های غیررسمی اما متحققی است که از مصادیق تحول اجتماعی به شمار می‌آیند، لیکن به دلیل بیرون بودن از چارچوب‌های تحلیل عرصه سیاسی و نهادینه شدن و عینیت یافتن در سطوحی نهان‌تر و کم‌متوقع‌تر از چشم ناظران و شاهدان و تحلیلگرانی که به کنشگران جمعی در عرصه عمومی نظر دارند، پنهان می‌مانند. این امر به نوبه خود یکی از علل بروز خطا در برآوردها و پیش‌بینی‌ها و جا ماندن از تحلیل تحولات جامعه امروزین ایران است. به عبارت دیگر، اگر قادر به پیش‌بینی رفتارهای انتخاباتی نیستیم (نه اینکه رفتارهای انتخاباتی پیش‌بینی‌پذیر نیستند) شاید به این دلیل باشد که به درستی نمی‌دانیم که زیر پوست جامعه چه می‌گذرد، جامعه‌ای که در بسیاری موارد جلوی صحنه و پشت صحنه زندگی افراد در آن تفاوتی شگرف با هم دارند و چندشخصیتی بودن برای شمار قابل ملاحظه‌ای از اعضای آن نه یک اختلال که وضعیتی بهنجار به شمار می‌آید، تعارفات اغراق‌آمیز و عدم صداقت ساخت‌یافته وجوه مشخصه آن است. (عوارضی که همه تحت شرایط تاریخی، اجتماعی و سیاسی خاصی شکل گرفته‌اند و حل و رفع‌شان نیز در گرو شناخت عمیق آن شرایط است.) شایان ذکر است که عدم تکوین نهاد پژوهش اجتماعی که به گونه‌ای مستقل، آزادانه و فارغ از دغدغه‌های جناحی، توضیح و تبیین جامعه‌شناسانه مناسبات اختلال‌آمیز اجتماعی را وجهه همت خود سازد از اولویت و فوریتی فوق‌العاده برخوردار است. به طوری که شایسته است تمام کسانی که ذهن‌مشغول برنامه‌ریزی، مهندسی اجتماعی، توسعه، جریان‌شناسی سیاسی و نظایر اینها هستند کمک به رشد و رویش این نهال را نظراً و عملاً در دستور کار قرار دهند؛ چرا که در صورت بالیدن آن همگان از ثمراتش بهره‌مند خواهند شد و در فقدانش (یا ضعف و ناکارایی‌اش) فعالیت‌های اجتماعی- سیاسی در ایران به آزمون و خطاهایی ابدی شباهت خواهند یافت که به گونه‌ای تسلسلی و تراژیک تکرار خواهند شد بی‌آنکه سودبخش باشند.

■■■

چندین دهه است که جامعه نیمه‌سنتی نیمه‌مدرن ایرانی گذاری کشدار، پرتنش و آسیب‌زا را تجربه می‌کند. توفیق این جامعه در تحقق و تکمیل هر چه سریع‌تر و کم‌هزینه‌تر این وضعیت گذارین و نیل به مرحله توسعه‌یافتگی همه‌جانبه، مسلماً مستلزم تمهیدات و ملاحظات متعدد و متنوعی است. سهم روشنفکران و نخبگان فکری و فرهنگی جامعه در این خصوص البته جایگاهی جایگزین‌ناپذیر دارد. حرکت در این مسیر، امید و ایمانی سترگ می‌طلبد و شاید موشکافی‌های سختگیرانه و درگیر شدن با ظرافت‌های ریز با حرکت امیدوارانه در مسیر مزبور تا حدودی مباینت داشته باشد، اما فعالیت‌گرایی اگر پشت‌گرم به واقع‌نگری و ژرف‌بینی (به معنای علمی آن) نباشد احتمالاً بسیار بیشتر از نظاره منفعلانه در پیچیدگی تو بر تو و حیرت‌زای واقعیت اجتماعی، زیان‌بخش خواهد بود. مرور تجربیات یک قرن اخیر در این دیار می‌تواند نمونه‌هایی برای تصدیق این مدعی فراهم آورد.

پیشنهادهای نهضت آزادی به خبرگان

ایلنا: نهضت آزادی ایران با صدور بیانیه‌ای در مورد مجلس خبرگان و حقوق اساسی ملت، خواستار اصلاح قانون این مجلس و انجام کارهای ضروری در این مورد به منظور ایجاد زمینه مشارکت گسترده مردم در چهارمین دوره انتخابات مجلس خبرگان شد. در این بیانیه آمده است: نکته‌ای که در انتخابات چهارمین مجلس خبرگان باید مورد توجه قرار گیرد، این است که تاکنون گزارشی از عملکردهای هشت ساله این مجلس در دوره سوم به ملت داده نشده است.

مشروح مذاکرات مجلس مذکور منتشر نشده است و مردم از مواضع و عملکرد کسانی که در هشت سال گذشته عضو این مجلس بوده‌اند، بی‌خبرند به عقیده نهضت آزادی ایران، مجلس فعلی خبرگان باید گزارش کامل فعالیت‌هایش را به همراه مشروح مذاکرات مجلس برای اطلاع عمومی منتشر سازد تا مردم بتوانند در مورد عملکرد هر یک از نمایندگان این مجلس قضاوت واقع‌بینانه‌ای به دست آورند و در انتخابات امسال با علم و بصیرت به نامزدهای مورد نظرشان رای دهند.

در ادامه این بیانیه آمده است: قانون انتخابات مجلس خبرگان باید به گونه‌ای اصلاح شود که اولاً انتخاب‌شدگان منحصر به مجتهدان حوزه‌های علمیه و معلمان نباشند بلکه استادان دانشگاه، متفکران و کارشناسان غیرحوزه‌ای از جامعه‌شناسان، عالمان علوم سیاسی و اقتصاددانان نیز بتوانند به عنوان نامزد نمایندگی مجلس خبرگان در انتخابات شرکت کنند.

خبرها

موسوی‌لاری: مصباح نمی‌تواند محور یک جریان باشد

ایسنا: عبدالواحد موسوی‌لاری، عضو شورای مرکزی مجمع روحانیون مبارز با بیان اینکه مصباح یزدی در انتخابات مجلس خبرگان نمی‌تواند به‌عنوان محور حرکت یک جریان حضور داشته باشد، اظهار داشت: مصباح یزدی بیش از آنکه هدایت‌کننده جریانات سیاسی باشد، از طرف جریانات سیاسی هدایت می‌شود لذا نمی‌توان او را به‌عنوان محور یک جریان مطرح کرد. موسوی‌لاری در خصوص تغییر مرجع نظارت بر انتخابات شوراها گفت: همان زمان که بحث تجمیع انتخابات مطرح شد، به دوستان گفتم که جریان مقابل قصد دارد حوزه انتخاب را محدود و نظارت بر انتخابات شوراها را به سرنوشت انتخابات مجلس هفتم دچار کند.

اعتراض به انحلال انجمن بوعلی همدان

ایلنا: احزاب و گروه‌های اصلاح‌طلب استان همدان با صدور بیانیه‌ای در رابطه با انحلال دفتر انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه‌های بوعلی‌سینا و علوم پزشکی همدان، خواستار حل این مشکل از سوی مسئولین شدند. در این بیانیه با اشاره به اینکه انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه‌های بوعلی‌سینا و علوم پزشکی همدان قدیمی‌ترین تشکل دانشگاهی استان بوده که پیرو تاثیرگذاری این تشکل‌ها از بدو تاسیس تاکنون، منشاء پویایی و پیشرو در تحولات مبتنی بر خواست اکثریتی جامعه دانشگاهی و استانی بود، آمده است: ناهمخوانی مواضع این تشکل با برخی سلایق در مقاطعی موجبات تحرکاتی گشته که کلیت آن را نشانه گرفته است. تازه‌ترین مورد چنین هجمه‌ای عملکرد ناصواب مسئولین دانشگاه علوم پزشکی همدان در مصادره اموال، برداشتن تابلوهای این تشکل و جوش‌زدن نرده به در ورودی آن در دانشگاه مذکور بوده است. در این بیانیه با اشاره به صدور بیانیه‌ای از سوی هیات نظارت بر دانشگاه در این زمینه آمده است: صدور بیانیه معمولاً کار حزب و تشکل سیاسی است، از جانب این جایگاه نظارتی جای سئوال داشته و ظاهر شدن این جایگاه در قامت یک حزب تمام‌عیار سیاسی، ابهام‌آفرین است. در ادامه این بیانیه تصریح شده است: هرچند متاسفانه شاهد دور جدید برخورد با فعالین دانشجویی و تشکل‌های منتقد دولت در دانشگاه‌ها هستیم اما حرکت اخیر در استان همدان بدعتی نو محسوب می‌شود و از این رو تذکر این موارد لازم و ضروری است.

کاشفی: با منطق و بردباری مشکل خانه احزاب حل می‌شود

ایسنا: حسین کاشفی در پاسخ به اعتراضات دبیرکل جامعه اسلامی فرهنگیان و سخنگوی دور دوم خانه احزاب به مفاد دعوت‌نامه مجمع عمومی این خانه که برای حل اختلافات یک‌ساله تشکیل می‌شود، تصریح کرد که صورت‌جلسه را حسن غفوری‌فرد امضا کرده و قرار شد هماهنگ‌کننده خود وی باشد، دعوت‌نامه‌ها نیز به امضای خود وی رسیده است. وی با این توضیح گفت: ما کلیه انعطاف‌ها را به کار برده‌ایم، آن هم به خاطر اینکه تحزب در کشور آسیب نبیند و خانه احزاب بتواند بقایش را حفظ کند، تصمیم گرفتیم مجمعی برگزار کنیم تا درباره تمام آنچه در انتخابات ۸۴/۲/۲۲ مطرح شده، در مجمع تصمیم‌گیری شود، از این رو اینکه بگویند این مسائل در توافقنامه نبوده، آن هم در حالی که این آقایان در جلسه حضور نداشتند و مسئولیتی ندارند، جای سئوال دارد. کاشفی توصیه کرد که با بردباری، منطق و آرامش اجازه داده شود تا مشکل خانه احزاب حل شود. وی افزود: اگر کسی گله‌ای می‌کند باید مشخص کند از چه موضعی است، باید اول مسئولیت داشته باشند بعد صحبت کنند، لذا ما با هماهنگی و از سوی شورای مرکزی طبق قرار به اتفاق آرا به آقای غفوری‌فرد رای دادیم و ایشان به جای من نایب رئیس شدند و باز برای حسن نیتمان قبول کردیم که از سوی شورای مرکزی ایشان دعوت‌نامه را امضا کنند، تا طبق روال بتوانیم در زمان مقرر مجمع عمومی را برگزار کنیم. کاشفی تاکید کرد: یک خانه احزاب بیشتر نداریم و در حال حاضر شورای مرکزی سوم روی کار است، حتی توافقی که کردیم این بود که اگر خود مجمع رای دهد و بگوید شبهاتی که دوستان مطرح کردند، وارد نیست، این شورا به کار خود ادامه دهد و این شورا مسلماً شورای سوم است.

نشست ماهانه آبادگران جوان

ایسنا: دومین نشست ماهانه اعضای جمعیت آبادگران جوان ایران اسلامی روز جمعه ۲۹ اردیبهشت‌ماه در مسجد شیخ فضل‌الله نوری برگزار می‌شود. در این سلسله نشست‌ها که از این پس در آخرین جمعه هر ماه برگزار می‌شود، اعضای آبادگران جوان ضمن دیدار حضوری و مستمر با مسئولان جمعیت و سایر اعضا به طرح دیدگاه‌های خود خواهند پرداخت.

نگاه

دستور چندبعدی

نرگس ابراهیمی

دستور احمدی‌نژاد به رئیس سازمان تربیت‌بدنی برای آماده کردن زمینه حضور زنان در ورزشگاه‌ها هرچند پس گرفته شد، اما به دلیل ابعاد سیاسی، اجتماعی، مذهبی و فرهنگی موضوع همچنان قابل بررسی و دقت نظر است.

۱- از بعد سیاسی به‌نظر می‌رسد علت صدور چنین دستوری از سوی احمدی‌نژاد جلب نظر نیمی از جمعیت کشور یعنی زنان و آن هم زنان شهرنشین و روشنفکران به دلیل نیاز به وحدت ملی در شرایط سیاسی اخیر بوده است. احمدی‌نژاد که برای رئیس جمهور شدن از موضع اصولگرایانه، بدون توجه به مسئله زنان و تنها با شعار معیشت به صحنه آمد و با استفاده از همراهی و همکاری اصولگراترین بخش جناح محافظه‌کار به مقام رئیس جمهوری رسید، اینک در صحنه عمل با توجه به شرایط سیاسی خارجی کشور تمایل دارد که به الزامات حکومتی که توجه به نیازهای نیمی از جمعیت کشور یعنی زنان هم که بخشی از آن است توجه کند. یعنی گرچه صدور این دستور می‌توانست توجه بخشی از زنان را جلب کند، اما از سوی دیگر هم می‌توانست موقعیت ایشان را در بخشی از نیروهای پشتیبان خود تضعیف کند. چنانکه دیده شد، بخشی از علما و مراجع قم و زنان محجبه نسبت به این دستور واکنش نشان دادند. بروز شکاف در میان اصولگرایان و جدا شدن بخش اعتقادی و رادیکال طرفداران رئیس جمهوری از دولت او می‌توانست منجر به تضعیف جناحی شود که بدنه جوان آن مهمترین نیرو و تکیه‌گاه دولت احمدی‌نژاد در برابر تهاجمات اجتماعی است.

۲- از بخش آثار سیاسی دستور احمدی‌نژاد که بگذریم، آثار اجتماعی و فرهنگی این دستور نیز مورد توجه است، از آن‌رو که با تاکید و صحه گذاشتن بر بخشی از حقوق زنان که استفاده مساوی از امکانات عمومی است، منازعات بیست و هفت سال گذشته بر سر این حق را وارد فاز جدیدی می‌کرد. اگر این فاز در نهایت به تثبیت حق زنان منجر می‌شد، می‌توانست آغاز مثبتی برای کسب سایر حقوق آنها نیز باشد. ضمن اینکه از نظر فرهنگی هم ورود زنان به استادیوم‌ها بی‌تردید بدون تاثیرگذاری بر فرهنگ جامعه نبود. اما این مسئله مخالفانی هم داشت. بسیاری از مخالفان و حتی موافقان این دستور، زمان کنونی را برای چنین رویکردی مناسب نمی‌دانستند و از این باب به مخالفت با دستور احمدی‌نژاد پرداختند. جو نامناسب فرهنگی و اخلاقی ورزشگاه‌ها به‌ویژه در مسابقات فوتبال و نبود امنیت در آنها از دلایل برشمرده شده مخالفان این دستور بود. بعضی از مخالفین، با نفس ورود زنان به ورزشگاه‌ها مخالف نبودند اما آن را منوط به شرایط مساعد ورزشگاه‌ها ساختند. از آنجا که شرایط ورزشگاه‌ها طی ۲۷ سال گذشته نه‌تنها تغییری نکرده بلکه به سمت منفی‌تر شدن بیشتر نیز پیشرفته و هیچ اقدامی در جهت بهتر شدن آن یا صورت نگرفته و یا اگر هم انجام شده با موفقیت همراه نبوده است، با این حال موافقان رئیس جمهور می‌پرسیدند که اگر تغییر فضا تا سال‌ها طول بکشد و نه‌تنها بهتر نشود که بدتر هم شود، آیا زنان باید همچنان پشت درهای بسته منتظر بمانند؟ شرایط کنونی دنیا و تاثیر غیرقابل انکار فرهنگ‌های مختلف بر جوامع حکایت از آن دارد که سیر کنونی نمی‌تواند به سوی محدودتر کردن زنان و جلوگیری از حق آنها پیش رود بلکه برعکس، زنان در جهان، روز به‌روز موقعیت اجتماعی، سیاسی و فرهنگی بهتری را کسب کرده و دیگر نمی‌توانند به‌عنوان نیمه پنهان جامعه ایفای نقش کنند. به عقیده موافقان شاید یکی از سنگ‌بناهای تغییر فرهنگ و فضای ورزشگاه‌ها، ورود زنان به این صحنه باشد چرا که حضور زنان و خانواده‌ها در این نوع محیط‌ها، تنها ابزار و وسیله‌ای است که می‌تواند جو خشونت‌بار و مردانه ورزشگاه‌ها را تعدیل کند و زمینه آرامش در آن را فراهم آورد. اگر در شروع این کار مشکلات زیادی هم بروز کند اما به‌تدریج فضا آرام‌تر خواهد شد. تجربه ۲۷ سال گذشته در مردانه کردن فضای استادیوم‌ها از نظر فرهنگ‌سازی موفق و مثبت نبوده است و لذا اکنون نوبت کسانی است که معتقدند ورود خانواده‌ها و زنان به این محیط‌ها تنها راه تلطیف این فضا است. باید استدلال این عده نیز به محک تجربه گذاشته شود.

۳- اما دستور احمدی‌نژاد از نظر تاثیرات آن بر حوزه شرع و دیانت نیز قابل توجه بود. برخی از مراجع قم در این ماجرا وارد فاز جدید مخالفت با یک دستور رئیس جمهوری شدند. جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و حتی مصباح یزدی از هواداران سرسخت احمدی‌نژاد نیز او را در این دستور یاری نکردند. اظهارات جواد شمقدری معاون فرهنگی احمدی‌نژاد مبنی بر اینکه دستور احمدی‌نژاد برای خنثی‌سازی تبلیغات خارجی و توطئه‌های دشمن علیه ایران بوده است برای نخستین بار است که از زبان اصولگرایان در برابر مراجع مطرح می‌شد. با توجه به اینکه مراجعی که علیه دستور احمدی‌نژاد موضع گرفتند، تا پیش از این از مواضع اصولگرایان دفاع می‌کردند، بی‌توجهی دولت اسلامی به فتاوای شرعی آنان می‌توانست نوعی تغییر رفتار در دو حوزه سیاست و دین باشد.

خبرها

علوی‌تبار در مشارکت

ایسنا: شاخه جوانان جبهه مشارکت ایران اسلامی، پیش‌جلساتی را با عنوان «از مشروطه تاکنون» برگزار می‌کند و اولین جلسه آن ۳۱ اردیبهشت‌ماه با حضور علی بیگدلی و علیرضا علوی‌تبار برگزار می‌شود. آنچنان که اعلام شده است هدف از برگزاری این پیش‌جلسات این است که مشروطه‌خواهان هنوز پس از گذشت صد سال از مشروطیت به خواسته‌های خود نرسیده‌اند.

نامه روشنفکران اروپایی و آمریکایی برای جهانبگلو

شرق: برخی از فیلسوفان و روشنفکران اروپایی و آمریکایی با صدور اطلاعیه‌ای خواستار آزادی رامین جهانبگلو شدند. این اطلاعیه به امضای تعداد زیادی از روشنفکران همچون ریچارد رورتی، ادگار مورن، آنتونیو نگری، جورج استاینر، آدام میشنک، دانیل کوهن بندیت، کاستور یاریس، کلود لفورت، تیموتی کارتون‌اش و اینن بالیبار رسیده است.